جامعة الرياض
المكتبة المركزية قسم المخطوطات

وما نافیه مشابه بیس و عهد اسم او و فعل بود یا بجاء مصدر
بفاعل است یعنی جانب مرا بسته ام با سر و علی الله علیه و سلم که ایمان
آوردن است باو و آنچه آمده باو یا اضافه مصدر بمفعول است یعنی
عهد مرا نسبت رسول الله علیه و سلم بمن کرده است و آن وعده شفاعت
زیرا که رسول علیه السلام فرمود که انی شفیع لکل محمد یوم القیامة
منتقض جمله او و باء زایده است در خبر فانم اسمی متعلق بفعل
مقدر و حال از عهد یا متعلق است بمنتقض و لا جبل متعلق است
بمنقوم که عطف است بعهد بمنتقض عطف دو شیء بر دو معمول
با جار و عامل که حال است از عمل کند و لا ابتدائیه است و الفرم
بمعنی انقطاع العنس اگر مسلم گناهی نیست عهد مرا منتقض
از حضرت نبی علیه السلام یعنی شکسته شده در حالیکه حاصل آن عهد مرا
جز علیه السلام باکوی پس منت عهد مرا منتقض از حضرت نبی علیه السلام
و منت رشته امید مرا منقطع بغیر گسسته و حاصل چنان که
هر چند ازین گناه در وجود آید ایمان بجای خود باشد
بجا خود است رشته امید گسسته شود از حضرت آنحضرت

چرا که وعده او موقوف نیست بر آنکه گناه مرا وجود نیاید
جمله اسمیه را که شبه جمله است بر آنکه گناه مرا وجود نیاید
آن اگر باشد نوع سستی بان ۴ فان لی منه شفیعی محمد و هو
اوفی الخلق ذمة ۴ این بیت بمنزله دلیل است از برای عدم
انتقاض عهد و حبل از جناب آنحضرت و آن از حروف مشبهه
بفعل است لی خبر او و منه اسم او و ذمة عهد را گویند و منه
متعلق بکائنة و صفت ذمه است و ضمیر عائد است برسول ع و باء
برای سببیت و تسمیتی متعلق بکائنة مقدر و اضافه تسمیه بسوی یا متکلم
اضافه مصدر بمفعول محمد مفعول دوم تسمیه است و او حالیه است
و تسمیه نام کردن را گویند هو مبتدا است راجع بمرجع ضمیر
با محمد علیه السلام استخدام و ما بعد آن خبر او و این جمله حالیه است از
ضمیر منه اوفی افعل تفضیل است از وفا بمعنی بسیار وفا کننده
و باء لحم متعلق است باوفی و ذمم جمع ذمه است العنس بمعنی
و راستی که مرا کین است ذمه که حاصل است از آن سر و علیه
بسبب نام کردن مرا محمد و حالانکه او وفا کننده ترین خلق است

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)